

بدون چتر، با هم، زیر باران

دوبیتی‌های

علیرضا حکمتی

www.ketab.ir



تندون پرنس

سرشناسه: حکمتی، علی رضا، ۱۳۵۵ -
عنوان و نام پدیدآور: بدونِ چتر، با هم، زیر باران / علیرضا حکمتی.
مشخصات نشر: تهران: تهران: ترنجستان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۶۸ ص: ۲۷/۵۰۱۴/۵ م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۸۲۴-۵-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- ۲۰th century

رده بندی کنگره: PIR۸۰۲۲

رده بندی دیویی: ۸۵۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۹۹۳۴۲

وضعیت رکورد: فیا

www.ketab.ir



انتشارات ترنجستان

نام: بدونِ چتر، با هم، زیر باران

سراینده: علیرضا حکمتی

چاپ یکم: مهر ۱۴۰۰

شناسه: ۱۰۰۰۹

شمارگان: ۸۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۸۲۴-۵-۰

چاپخانه: هدی

صافی: ترنج

طرح جلد: سیاوش برادران

فهرست

- ۹..... من واین نیمه ی جانی که دارم.....
- ۱۰..... همین احساس مبهم زیرباران.....
- ۱۱..... نفهمیدی که عمری پا گرفته است.....
- ۱۲..... رسید و بی خبر آمد. نفهمید.....
- ۱۳..... هوارنگ غروبی نیست، بگذر.....
- ۱۴..... اگر چه عاشقی تشویش دارد.....
- ۱۵..... دوباره ابرو باران دانه دانه.....
- ۱۶..... رسیدی تادوباره دل به درد.....
- ۱۷..... بجر خان حال و احوال زمانه را.....
- ۱۸..... دوباره می شود آغازیاتو.....
- ۱۹..... به این گل های پرپر... دل بیندد.....
- ۲۰..... بهاری ادرهوا بویی بیفشان!.....
- ۲۱..... بگو باران که من حالی بگیرم.....
- ۲۲..... پرنده: فرصت بال و پری ... که.....
- ۲۳..... رسید و مثل آواری، که باید.....
- ۲۴..... دوباره بوی باران، خیس درخیس.....
- ۲۵..... رسید و مثل باران شد معطر.....
- ۲۶..... رسید و لحظه ها را روح و جان داد.....
- ۲۷..... کمی ابری، کمی دلگیر... اهواز.....
- ۲۸..... من و تو دل شکسته... مثل اهواز.....

- ۲۹..... چوباران شست و شودادی، دوییتی!
- ۳۰..... هوارا عطر کالی داد، باران.....
- ۳۱..... دلت! باران، دلت! شور دوییتی.....
- ۳۲..... ندیدم مثل تو اهل دلی، نه!.....
- ۳۳..... زاعماق مه آلوده جهان را.....
- ۳۴..... و قطره قطره آب از مشک، کم شد.....
- ۳۵..... خجالت می کشد گرچه عمورا.....
- ۳۶..... شکسته مثل باران، قامت تو.....
- ۳۷..... شکفتی مثل جان تازه درمن.....
- ۳۸..... سفر رفتن، گسستن، دل بریدن.....
- ۳۹..... دلت می خواست تاجان می سپردی.....
- ۴۰..... چوباران دلپذیرم، باد دوییتی.....
- ۴۱..... مرا آشفته سر، شاید بخواید.....
- ۴۲..... تو ابیری صاف و ساده، اتفاقی.....
- ۴۳..... به باران کبوترها؛ دلم را.....
- ۴۴..... نشد پایان، به جز چشم انتظاری.....
- ۴۵..... برایت غم نوشتم، نان بیاور.....
- ۴۶..... مرا با این دو چشم تر نفهمید.....
- ۴۷..... دوباره یاد ما افتاد باران.....
- ۴۸..... فقط باران، فقط آهی من و تو.....
- ۴۹..... فقط گاهی، اگر گاهی بیاید.....